



تحلیل فمینیسم رادیکال در زمینه نقش‌های جنسیتی والدین

در مقایسه با آموزه‌های معصومین علیهم‌السلام

صدیقه بتول^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۸

چکیده

نقش‌های جنسیتی والدین مجموعه‌ای از رفتارها و ویژگی‌هایی است که انتظار می‌رود پدر و مادر در مقابل فرزندان داشته باشند. این موضوع در سیره معصومین علیهم‌السلام در قالب توصیه‌های اخلاقی و روش‌های تربیتی مورد توجه ویژه قرار گرفته است. با وجود این ورود فمینیسم به کشورهای اسلامی در دهه‌های اخیر باعث تغییر در این نقش‌ها و والدین اندروژنی شده و سردرگمی و دوگانگی شخصیت فرزندان و در نهایت تزلزل نظام خانواده را به دنبال داشته است. فمینیسم رادیکال نقش زنان را به دلیل همسری و مادری نقشی فرودست می‌داند و با حرکت به سمت والدین اندروژنی، مردان را به سوی پذیرش نقش‌های غیر طبیعی و جایگزین مادر سوق می‌دهد. مقاله پیش‌رو با هدف بررسی و تحلیل دیدگاه‌های فمینیسم رادیکال در مورد نقش‌های جنسیتی والدین به این سؤال اصلی پاسخ می‌دهد که چگونه می‌توان با توجه به سیره معصومین علیهم‌السلام به تحلیل و نقد نظریه فمینیسم تندرو در زمینه جابه‌جایی نقش‌های جنسیتی والدین پرداخت. روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و اطلاعات به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. یافته‌های تحقیق از این قرار است که با توجه به سیره معصومین علیهم‌السلام فرزندان نیاز به پدری دارند که اقتدار و مردانگی داشته و برنامه‌ریزی، سرپرستی و اداره امور زندگی را بر عهده گیرد. آنان همچنین مادری را می‌خواهند که در خانه با عواطف، محبت و احساساتش، نیازهای عاطفی فرزندان را تأمین کند. با پذیرش درست نقش‌ها از سوی والدین فرزندان نیز از سلامت جنسی و هویتی برخوردار شده و کمتر دچار بحران هویتی خصوصاً در بزرگسالی می‌شوند. همچنین آنان شناخت درستی از هویت خود پیدا کرده و در بزرگسالی از تمایلات نفسانی دور می‌مانند.

کلید واژگان: نقش‌های جنسیتی، والدین، سیره معصومین علیهم‌السلام، فمینیسم، اندروژنی.

۱. طلبه سطح سه مکتب نرجس مشهد، تبعه پاکستان / sediqehbatool@gmail.com

* بتول، صدیقه. (۱۴۰۲). «تحلیل فمینیسم رادیکال در زمینه نقش‌های جنسیتی والدین در مقایسه با آموزه‌های معصومین علیهم‌السلام»، دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در گستره تاریخ، فرهنگ و تمدن شیعه، ش ۳، صص ۱۲۲-۹۷.



مقدمه

امروزه به دلیل تبلیغات غرب و فمینیسم‌های افراطی از طریق رسانه‌ها نقش‌های والدین تا حدود زیادی جابه‌جا شده است طوری که آنان نقش‌های غیر طبیعی را بر عهده دارند و به جای یکدیگر برای فرزندشان نقش بازی می‌کنند. این رفتار باعث سردرگمی فرزندان در پذیرش نقش‌ها شده و پیامدهای روانی و عاطفی فراوانی را برای آن‌ها به دنبال داشته است.

سیره معصومین علیهم‌السلام با هدف حفظ حرمت و جایگاه خانواده، برای هر یک از اعضا نقش‌هایی را تعریف کرده است. بر این اساس والدین مهمترین نقش را در قبال فرزندان دارند. به این معنا که چنانچه والدین (پدر و مادر) نقش‌های جنسیتی خود را به طور شایسته انجام دهند و هر یک در جایگاه حقیقی خود ایفای نقش کنند، فرزندان هم نقش‌های جنسیتی را به صورت مستقیم و ناخودآگاهانه از والدین می‌آموزند. به این ترتیب پسران، مردانگی را از پدر و دختران، زنانگی را از مادر فرامی‌گیرند. این از آن روست که تقلید نقش‌های جنسیتی والدین از سوی فرزندان، امری انتخابی نیست؛ زیرا انسان به طور طبیعی و با الگوپذیری به این سو قدم برمی‌دارد.

حال از آن جا که خانواده در بسیاری از فرهنگ‌ها به خصوص اسلام، نظامی مقدس به شمار می‌رود که باید به طور جدی از آن محافظت شود و نیز این که والدین پایه‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهند، ضرورت دارد هر یک از آن‌ها در جایگاه حقیقی خود باشند تا فرزندان با الگوبرداری از آن‌ها بتوانند درست تربیت شوند. اما حقیقت آن است که امروز بحرانی در کشورهای اسلامی به وجود آمده که مفهوم آندروژنی والدین است درست بر خلاف سیره معصومین علیهم‌السلام؛ به این معنا که پدر و مادر عملاً نقش‌های مشابهی دارند یا به جای یکدیگر ایفای نقش می‌کنند. در این

الگو پدر نقشی شبیه مادر ایفا می کند و به موازات آن، مادر در محل کار است. این رفتار والدین، زمینه ساز بروز مشکلات جبران ناپذیری در جامعه و نظام خانواده است. این در حالی است که با توجه به سیره معصومین علیهم السلام مدیریت و سرپرستی یکی از مهمترین نقش های پدر در خانواده است؛ زیرا هیچ کس نمی تواند همچون پدر نقش اقتدار را برای فرزندان ایفا کند. از آن طرف مادر، رکن اساسی ایفای نقش مهر و محبت و عاطفه است.

هدف این تحقیق بررسی نقش های جنسیتی والدین بر اساس سیره معصومین علیهم السلام بوده که نهایتاً به رد نظریه فمینیسم می انجامد.

در این پژوهش تلاش شده به سؤالات ذیل پاسخ داده شود:

- دیدگاه معصومین علیهم السلام در مورد نقش های جنسیتی چیست؟

- امروزه عوامل جابه جایی نقش های جنسیتی با توجه به سیره معصومین علیهم السلام کدامند؟

در مورد پیشینه بحث باید دانست که این موضوع در سال های اخیر به دلیل ظهور نظریه های فمینیستی بیشتر مورد توجه جامعه شناسان و روانشناسان و به خصوص نظریه پردازان اسلامی قرار گرفته و مقالات و کتاب های مختلفی در مورد آن نوشته شده است. استونای (۱۳۹۶) در مقاله "تفاوت های جنسیتی را جدی بگیریم" به تفاوت های مردان و زنان پرداخته است. مجتبی عطاری (۱۳۷۸) در مقاله "بررسی مفهوم جنسیت در اسلام و غرب" و مریم رفیعی (۱۳۸۹) در مقاله "ضرورت تفکیک نقش های جنسیتی والدین" به بیان ضرورت تفکیک نقش های جنسیتی زن و مرد پرداخته اند. سهیلا صادقی فسایی (۱۳۸۴) در مقاله "چالش فمینیستی با مادری" به نقد فمینیسم به دلیل مخالفت با نقش مادری پرداخته است. فاطمه نجار (۱۳۹۵) در مقاله "تأثیر نظام آموزش آندروژنی تعلیم و تربیت زنان" به این موضوع پرداخته که زنان،



مردانه تعلیم داده می‌شوند اما در بزرگسالی از آن‌ها انتظار ایفای نقش‌های جنسیتی در زمینه مادری و همسری را دارند که این باعث به وجود آمدن مشکلات فراوانی برای زنان می‌شود. علی‌زایروندی و ابراهیم‌ناصری (۱۳۹۰) در مقاله "جنبش غربی فمینیسم و تلاش‌های آزادی‌سازی" به چگونگی ورود فمینیسم به سرزمین‌های اسلامی و نیز بررسی نحله‌های جدید آن پرداخته است. محمدرضا‌زیبایی‌نژاد (۱۳۸۸) در کتاب "هویت و نقش‌های جنسیتی" به تبیین دیدگاه‌های مختلف علوم در مورد نقش‌های جنسیتی پرداخته است. علی‌قائمی (۱۳۸۴) در کتاب "نقش‌پدیری در تربیت" به بررسی نقش پدر و تأثیر آن بر فرزندان پرداخته است. البته کتاب‌ها و مقالات متعدد دیگری نیز در این حوزه وجود دارد که با عنوان‌های مختلف به نقش‌های جنسیتی و رد دیدگاه فمینیسم پرداخته است، اما هیچ‌کدام به رد نظریه فمینیسم در زمینه نقش‌های جنسیتی به خصوص در والدین و تأثیر آن نپرداخته و این مسئله کمتر مورد توجه نویسندگان و پژوهشگران بوده و صاحب‌نظرانی هم که قلم زده‌اند فقط نظرات جامعه‌شناسان را مورد توجه قرار داده‌اند و به آموزه‌های معصومین علیهم‌السلام کمتر توجه کرده‌اند.

پژوهش حاضر ضمن استفاده از تحقیقات مذکور، به تحلیل نظریه فمینیسم‌های افراطی (رادیکال) در زمینه نقش‌های جنسیتی والدین و نیز تأثیر فرهنگ غرب و فمینیسم رادیکال بر والدین و بررسی نظرات آن‌ها بر نقش‌های جنسیتی و سوق والدین به سمت اندروژنی و بیان دیدگاه معصومین علیهم‌السلام در این زمینه پرداخته است.

تأثیر فرهنگ غرب و فمینیسم بر والدین

دنیای مدرنیته غرب معتقد است زنان را برای انسان شدن باید تا حد امکان به مردان شبیه ساخت (عطارزاده، ۱۳۷۸، ۴۲) به همین دلیل جنبش فمینیسم را به وجود آورد که پیش از این به جنبش آزادی‌سازی زن شهرت یافته بود و سپس با تهاجم

فرهنگی و نظامی از چندین دهه پیش، امت اسلام را گرفتار کرد (زایروندی، ۱۳۹۰، ۱). به خصوص فمینیسم‌های تندرو معاصر نمی‌توانند به ارزش‌های دینی معصومین علیهم‌السلام معتقد باشند؛ زیرا مسائل حقوقی، سیاسی و اجتماعی مربوط به زنان را خارج از قلمرو دینی می‌دانند. بنابراین احکام مربوط به خانواده و نقش‌های جنسیتی و ارزش‌های دینی را مصداق ستم معرفی کرده و در جهت محو آن‌ها تلاش می‌کنند (کلاین، ۱۳۷۸، ۳۰-۲۷). این در حالی است که فمینیست در شکل اولیه سنتی یا مسیحی -یهودی خود به شدت حامی خانواده بود و به تفاوت نقش زنان و مردان احترام می‌گذاشت و اصرار داشت ساختار جامعه به گونه‌ای باشد که از کودکان در درون خانواده و کنار والدین حمایت شود. همچنین نقش زن و مرد را در خانه مکمل یکدیگر می‌دانست و هرگز برای اندیشه حقوق برابر که از نظر آن‌ها احمقانه و حقیقتاً مخرب بود، جار و جنجال به پا نمی‌کرد (گاردنر، ۱۳۷۸، ۱۷۵-۱۷۲). اما از نظر فمینیسم‌های افراطی و تندرو (رادیکال)^۱ (مردیها، ۱۳۸۷، ۲۲۹-۲۲۶) نقش‌های جنسیتی باید به طور کلی منسوخ شود. آن‌ها این گونه القا می‌کنند که وجود خانواده‌ای که در آن پدر و مادر با هم زندگی می‌کنند و نقش‌های تعریف شده و طبیعی دارند ظلم به زنان است (حکمت، ۱۳۹۱، ۴۸).

در واقع غرب با حمایت از جنبش افراطی گری (فمینیسم رادیکال) به زنان القا می‌کند که خانواده بستر و جایگاهی است برای نابرابری زنان و فرودستی آنان به دلیل نقش همسری و مادری (احمدی و خراسانی، ۱۳۸۰، ۱۵۷). به این ترتیب آن‌ها حاملگی و زایمان را دو رفتار ظالمانه در حق زن می‌دانند و معتقدند زن باید از این ظلم آزاد

۱. فمینیسم رادیکال یکی از گرایش‌های فمینیسم است که بر روی نظریه مردسالاری متمرکز می‌شود؛ آن‌ها معتقدند تبعض‌ها و نابرابری جنسی به علت حاکم بودن "نظام مردسالاری" است. همچنین معتقدند از آن برای ستم علیه زنان استفاده می‌شود و به این نکته تأکید دارند زنان به خودی خود فرودست نبوده‌اند، بلکه این فرودستی محصول فرایند فعال ساخت قدرت بوده است.





شود. همچنین لغو نقش زن در تربیت فرزندان و انجام امور منزل از یک سو و برپایی مراکز تربیتی کودکان در جامعه نه در منزل از سوی دیگر، از قوانین دیگری است که به افزایش والدین اندروژنی در جامعه می‌انجامد (زایروندی، ۱۳۹۰، ۴۲).

فمینیسم رادیکال نقش مادری را برای زنان خطرناک می‌داند و معتقد است این نقش آن‌ها را در موقعیت‌های پایین‌تر از مردان قرار می‌دهد. همچنین بر آن است که نقش پدر در خانواده‌های سنتی و مذهبی وظایفی را بر مادر تحمیل کرده و مادران را وادار می‌سازد که پدرسالاری را در کودکان بازتولید کنند و ارزش‌های فرهنگ مسلط را به فرزندان منتقل نمایند و آن‌ها را وادار سازند تا با نقش‌های جنسیتی هم‌نوایی کنند. این گونه است که فمینیسم غرب نقش پدر و مادر را در مقابل هم قرار می‌دهد و از آن‌ها برای هم رقیب می‌سازد (رضایی فسایی، ۱۳۸۴، ۲۲). این در حالی است که بر اساس آموزه‌های معصومین علیهم‌السلام خداوند زن را همتا و جفت مرد آفریده تا وسیله سکون و آرامش خانواده گردد و بتواند مادری نسلی پاک و سالم را بر عهده گیرد (طباطبایی، ۱۳۶۳، ۷۲).

سیمون دو بووار، یکی از تأثیرگذارترین رهبران جنبش فمینیسم و مؤلف کتاب "جنس دوم" معتقد است چیزی به نام غریزه مادری وجود ندارد (یزدخواستی، ۱۳۸۴، ۸-۹). او حتی تلاش می‌کند این گونه القا کند که بزرگترین خطری که یک کودک را تهدید می‌کند وجود زنی است به نام مادر که به دلیل آزاد نبودن، از کمبودهای روانی زیادی رنج می‌برد و همیشه ناراضی است. از دیدگاه او تا زمانی که خانواده و افسانه مادری و غریزه مادری نابود نشود، زنان همچنان تحت ستم مردان باقی خواهد ماند (دو بووار، ۱۳۹۶، ۳۸۷-۳۸۶).

حرکت به سمت والدین دوجنسی (اندروژنی)

اندروژنی یعنی آمیختن صفات و نقش‌های مذکر و مؤنث در یک قالب که سعی دارد با از میان بردن تمایزهای مردان و زنان، به رشد صفات مذکر و مؤنث در هر دو جنس کمک کند تا افراد صفات متمایز زنانه و مردانه از خود بروز ندهند (نجاری، ۱۳۹۵، ۳). فمینیسم لیبرال جدی‌ترین جریانی بود که موجب بروز نظام اندروژنی شد از آن رو که ریشه و وضعیت فرودستانه زنان را در برخوردهای تبعیض‌آمیز تربیتی، آداب و رسوم و انتظارات متفاوت جامعه از دو جنس می‌دانست. به این ترتیب یکی از اهداف و آرمان‌های فمینیسم لیبرال، مبارزه با تفکیک نقش‌ها و ایجاد یک جامعه دوجنسی است (رودگر، ۱۳۸۸، ۷۱).

حرکت به سوی والدین اندروژنی مشکلات فراوانی را در تربیت فرزندان به وجود می‌آورد. در حقیقت در این نقش‌گفته می‌شود مردان در جایگاه پدر بیشتر نقش مادران را داشته باشند؛ یعنی اکثراً بایستی پرورش‌دهنده باشند و کارهای خانه را پایه‌پای همسران شاغلشان انجام دهند. مثلاً از نوزاد کوچک خود مراقبت کنند یا در همه کارها نصف‌نصف سهیم باشند (رفعی، ۱۳۸۹، ۵). می‌توان این حرکت را نوعی مبارزه با نقش‌های جنسی دانست که بیشتر مردمحور بوده و به نیاز زنان کمترین توجه را دارد؛ نیازی که باعث جلوگیری از رشد استعدادها و کاهش توانایی‌ها و کارایی‌های نقش‌های جنسی آنان شده و سبب نارضایتی و ناسازگاری‌های خانوادگی و فرار از نقش مادری و همسری شده است. در نتیجه مردان باید در خانه به جای مادر از فرزندان نگهداری کنند (نجاری، ۱۳۹۵، ۲۲-۳). این اختلاف پیامدهای روانی و عاطفی فراوانی از جمله بدبینی، بدگمانی، عیبجویی، اختلالات عصبی، احساس کینه و نفرت نسبت به والدین و عدم اطاعت از آنان، احساس یأس و ناامیدی از والدین را در فرزند به وجود می‌آورد. امام علی علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «از



مجادله و بحث کردن پرهیزید زیرا این دو کار، دل‌ها را نسبت به برادران بیمار می‌کند و نفاق می‌رویاند» (کلینی، ۱۳۸۲، ۳۰۰/۲).^۱ همچنین در حدیث دیگری می‌فرمایند: «نتیجه بحث و مجادله، دشمنی و کینه‌توزی است» (آمدی، ۱۳۹۵، ح ۴۶۰۷).^۲

دیدگاه معصومین علیهم‌السلام در مورد نقش‌های جنسیتی والدین

در نگاه و سیره معصومین علیهم‌السلام برخلاف غرب و فمینیست‌های تندرو، جنسیت اساساً مطرح نیست؛ به این معنی که در ارزش‌گذاری‌ها این "انسان" است که مورد توجه قرار می‌گیرد و زن و مرد هیچ تفاوتی ندارند. در واقع تساوی مرد و زن در زمینه ارزش‌های انسانی جزء مسلمات اسلام است اما در ایفای نقش و مسئولیت‌پذیری، تفاوت‌هایی بین طبیعت زن و مرد وجود دارد آن هم مبنی بر این که هر یک از زن و مرد نباید کاری برخلاف طبیعت خود انجام دهند. همچنین در مورد وظایف اجتماعی نقش‌ها مختلف، اما تکالیف یکسان است؛ یعنی هم بر مرد و هم بر زن جهاد واجب است منتها جهاد زن طوری و جهاد مرد طور دیگر است.

نظام سرمایه‌داری غرب با حمایت از فمینیست‌های افراطی، چیزی را که عیناً در مورد خودشان صادق است به مسلمانان نسبت می‌دهند. آنان جنس مرد را به خاطر قدرت سرمایه‌اندوزی‌اش طبعاً بالاتر از زن می‌دانند و این همان مردسالاری است که فمینیست‌های امروزی از آن فرار می‌کنند. نتیجه این تمدن مردسالارانه این است که زن، مرد را الگوی خود قرار می‌دهد و به دنبال کارهای مردانه می‌رود و حتی سعی می‌کند از طبیعت خود (مادر بودن، همسر بودن، دختر بودن) دور شود (خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۰۱/۱۴).



۱. إِيَّاكُمْ وَالْمِرَاءَ وَالْخُصْمَةَ؛ فَإِنَّهُمَا يُمْرِضَانِ الْقُلُوبَ عَلَى الْإِخْوَانِ، وَ يَنْبِتُ عَلَيْهِمَا النِّفَاقُ.

۲. ثَمَرَةُ الْمِرَاءِ الشَّحَاءُ.

در آموزه‌های معصومین علیهم‌السلام، مادر بودن بزرگترین ارزش است برعکس فمینیسم و فرهنگ غرب که با شعار آزادی، بارداری مصنوعی و مادران کرایه‌ای را برای زنان توصیه می‌کند.

این در حالی است که پیشوای نخست شیعیان، امام علی علیه‌السلام در خصوص ارزش و اثر جایگاه بی‌بدیل مادری می‌فرمایند: «فرزند ساخته شده مادر است» (خوانساری، ۱۳۸۶، ۳۳). بر اساس آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام مادری نه تنها عامل سرکوب یا بازماندن از فعالیت‌های اجتماعی نیست بلکه نوعی خلاقیت خاص زنانه است که این برتری را به او می‌دهد که در عالم خلقت بی‌نظیر باشد (خوانساری، ۱۳۸۶، ۳۳). اسلام مادری را بزرگترین جهاد می‌داند (مجلسی، ۱۰۷۹ق، ۱۰/۲۵۲).^۱

علامه طباطبایی در یادداشت‌های خود می‌نویسد: این‌ها (فرهنگ غرب) فرزند را دشمن سلامتی، زیبایی، طول عمر، خوشی و لذت زن معرفی کرده‌اند و ترس و وحشت بی‌منطق آن‌ها، نیمی از وجود زنان را نسبت به مادر شدن گرفته است (مطهری، ۱۳۷۷، ۲۵/۷) درحالی که خداوند در مادری لذتی قرار داده و این عمل را برای زن آرامش‌بخش ساخته است.

روشن است که مفهوم نقش پدری و مادری قوام‌یافته از سنت مادرسالاری و پدرسالاری در نظریه فمینیستی، بیش از آن که در تلاش برای حفظ خانواده و تربیت فرزندان باشد، به دنبال صف‌آرایی دو نقش در خانواده است که نتیجه قطعی آن کمبود محبت و انزوای فرزندان است. زیرا مسئولیت و نقش پدری و مادری بیش از

۱. إِذَا حَمَلَتِ الْمَرْأَةُ كَانَتْ بِمَنْزِلَةِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ، الْمُجَاهِدِ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.





آن که یک شیوه زندگی تلقی شود، در نگاه فرزندان به کاهش آزادی منجر شده است (بستان، ۱۳۸۹، ۸۲).

به طور کلی می‌توان یکی از مهمترین پیامدهای جنبش دفاع از حقوق زنان در غرب را سلب آرزوی مادری به عنوان یک حق از زنان دانست زیرا مهمترین عرصه تجلی عاطفه و احساس، مادری کردن است و زن فقط با مادر شدن می‌تواند تمام ظرفیت‌های عاطفی خود را بروز دهد. قرآن کریم نیز این غریزه را تأیید می‌کند آن‌گاه که بشارت ولادت اسحاق را می‌دهد و شادی وصف‌ناپذیر ساره را که نشان از علاقه وی به داشتن فرزند است، به نمایش می‌گذارد (هود: ۷۱)^۱ او با شنیدن خبر مادر شدن در سن پیری، از شادی رفتار غیر معمول از او سر می‌زند (نوری، ۱۳۹۳، ۸۰).

بنا به آنچه گفته شد فمینیست و فرهنگ غرب با در هم ریختن ساختار خانواده سنتی و اسلامی، بنیان مادری و پدری را درهم ریخته و نقش هر یک را به حاشیه بلکه به خارج از خانه رانده و فرصت ایفای نقش‌های مادری و همسری را آن‌گونه که خانواده بدان نیازمند بود از زنان گرفته است (سیاح و حسینی مجرد، ۱۳۹۰، ۲۸). در فرهنگ غرب نقش مادری و همسری در خانواده تحت‌الشعاع دیگر ارزش‌ها قرار گرفته و در برخی موارد یکی از موانع و مشکلات زنان در برابر اشتغال محسوب شده است. بنابراین می‌توان گفت فمینیسم نوعی ایدئولوژی است که برای زنان جز این ندارد که آنان را از نظر نقش جنسیتی شبیه مردان کند. این تفکر به دنبال تحقیر نقش همسری و مادری است (لگنهاوزن، ۱۳۸۳، ۵۲).

سیره معصومین علیهم‌السلام، به ویژه سنت نبوی، حمایت از نقش‌های جنسیتی را به شکل

۱. وَأَمْرَاتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحَّكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ.

توصیه اخلاقی (مجلسی، ۱۳۸۶، ۷۵/۲۳۷)^۱ و روش‌های تربیتی دنبال می‌کنند (مجلسی، ۱۳۷۵، ۷۲/۱۳۲)^۲.

برای مثال امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند: «پس آنگاه که مادر وضع حمل کرد و شروع به شیر دادن نمود، به هر بار مکیدن شیر مادر در روز قیامت نوری درخشان در برابرش جلوه کند و هر کس از گذشتگان و آیندگان آن را مشاهده کند به شگفتی درآید و در نامه عملش روزه‌دار شب‌زنده‌دار ثبت گردد... پس اگر فرزندش را از شیر گرفت، خدای متعال به او فرماید: ای زن بدان که تمام گناهانت را بخشیدم» (نوری، ۱۳۲۰، ۱۵۶/۱۵)^۳. در این روایت حق شیر دادن به مادر داده شده و تنها اوست که می‌تواند به طور احسن از فرزند در این مدت نگاه‌داری کند زیرا جسم و جان کودک با عواطف مادر پیوند ناگسستنی دارد (شیرازی، ۱۳۶۵، ۱۳۲/۲). همچنین در حدیثی از امام علی علیه السلام آمده که فرمودند: «هیچ شیری برای تغذیه فرزند بابرکت‌تر از شیر مادر نیست» (کلینی، ۱۳۸۲، ۴۰/۲)^۴. به این ترتیب یکی از نقش‌های مادر که در

۱۰۷



۱. اَغْنَى بِالزَّوْجِ عَنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ زَوْجَتِهِ وَ هِيَ الْمُوَافَقَةُ - لِيَجْتَلِبَ بِهَا مُوَافَقَتَهَا وَ مَحَبَّتَهَا وَ هَوَاهَا، وَ حَسُنَ خُلُقُهُ مَعَهَا وَ اسْتِعْمَالُهُ اسْتِمَالَةَ قَلْبِهَا - بِالْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ فِي عَيْنِهَا وَ تَوْسَعَتْهُ عَلَيْهَا - وَ لَا غْنَى بِالزَّوْجَةِ فِيمَا بَيْنَهَا وَ بَيْنَ زَوْجِهَا - الْمُوَافِقِ لَهَا عَنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ وَ هُنَّ - صَيَانَةُ نَفْسِهَا عَنْ كُلِّ دَنَسٍ حَتَّى يَطْمَئِنَّ قَلْبُهُ - إِلَى الثَّقَةِ بِهَا فِي حَالِ الْمَحْبُوبِ وَ الْمَكْرُوهِ - وَ حَيَاطَتُهُ لِيَكُونَ ذَلِكَ عَاطِفًا عَلَيْهَا عِنْدَ زَلَّةٍ تَكُونُ مِنْهَا - وَ إِظْهَارُ الْعَشِقِ لَهُ بِالْخِلَابَةِ وَ الْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ لَهَا فِي عَيْنِهِ.

۲. عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ نَظَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ - قَدْ اشْتَرَى لِعِيَالِهِ شَيْئًا وَ هُوَ يَحْمَلُهُ - فَلَمَّا رَأَى الرَّجُلَ اسْتَحْيَا مِنْهُ - فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام اشْتَرَيْتَهُ لِعِيَالِكَ وَ حَمَلْتَهُ إِلَيْهِمْ - أَمَا وَاللَّهِ لَوْ لَا أَهْلُ الْمَدِينَةِ - لَأَحْبَبْتُ أَنْ اشْتَرِيَ لِعِيَالِي الشَّيْءَ ثُمَّ أَحْمَلَهُ إِلَيْهِمْ.

۳. فَأَذَا وَضَعَتْ حَمْلَهَا وَ أَخَذَتْ فِي رِضَاعِهِ فَمَا يَمِصُّ الْوَلَدُ مِصَّةً مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ إِلَّا كَانَ بَيْنَ يَدَيْهَا نُورًا سَاطِعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُعْجَبُ مِنْ رَأَاهَا مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَ كُنْتُ صَائِمَةً قَائِمَةً... فَأَذَا فَطَمْتُ وَ لَدَهَا قَالَ الْحَقُّ جَلَّ ذِكْرُهُ يَا أَيُّهَا الْمَرْأَةُ: قَدْ غَفَرْتُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنَ الذُّنُوبِ فَاسْتَأْنِفِي الْعَمَلَ.

۴. مَا مِنْ لَبَنِ يَرْضَعُهُ بِهِ الصَّبِيُّ أَكْثَرَ بَرَكَتَةٍ عَلَيْهِ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ.



قالب‌های اخلاقی، بهداشتی و ارشادی از طرف معصومین علیهم‌السلام به آن توصیه شده، شیر دادن به کودک به طور کامل و نگاه‌داری از اوست.

علاوه بر این در بسیاری از روایات نقش پدر چنین تبیین شده که وظیفه تهیه غذا و لباس و مایحتاج فرزند و مادر بر عهده اوست (طبرسی، ۱۳۸۶، ۲۱۷).^۱ مانند این حدیث امام صادق علیه‌السلام که می‌فرماید: «کسی که برای تأمین مایحتاج خانواده‌اش تلاش کند، مانند کسی است که در راه خدا می‌جنگد» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ۶۷/۱۷). همچنین در سیره معصومین علیهم‌السلام پدر نقش مهمی در تربیت و آموختن آداب به فرزندان دارد. امام سجاد علیه‌السلام در حالی که فرزندش محمد همراهش بود، نزد جابر آمد. آن گاه امام به فرزندش فرمود: قبل از هر کاری صورت عمویت جابر را ببوس. محمد نیز چنین کرد در حالی که جابر نابینا بود (ابی‌الفتح‌الاربعی، ۱۴۲۷ق، ۳۳۱/۲). در واقع ادب و تربیت زمانی از سوی پدر کارساز است که هم خود عمل کند و هم اقتدار داشته باشد. از حضرت علی علیه‌السلام نقل شده که: «بهترین ارثی که پدران می‌توانند به فرزندان بدهند، ادب و تربیت صحیح است» (کلینی، ۳۲۹ق، ۱۵۸/۸).^۲

از دیدگاه معصومین علیهم‌السلام خانواده بهترین محیطی است (خادمی و نصیبی، ۱۴۰۰، ۳۴۳، ح ۴۹۸)^۳ که زن و مرد یکدیگر را در پیمودن مسیر کمال کمک می‌کنند. در همین محیط است که با حفظ نقش‌های جنسیتی از سوی والدین، شخصیت فرزند شکل می‌گیرد و می‌آموزد که چگونه ارتباط برقرار کند، هماهنگی کند، تأثیر بگذارد و تأثیر بپذیرد و ارزش‌ها را درونی کند (زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۹۰، ۸۳). از این رو در

۱. قَالَ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ زَوْجَتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ مَلَكَه نَاصِيَتَهَا وَجَعَلَهُ الْقِيمَ عَلَيْهِ.

۲. إِنَّ خَيْرَ مَا وَرَثَ الْآبَاءُ لِأَبْنَائِهِمُ الْأَدَبُ لَا الْمَالُ؛ فَإِنَّ الْمَالَ يَذْهَبُ، وَالْأَدَبُ يَبْقَى.

۳. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُؤْمِنَ وَيُحِبُّ أَهْلَهُ وَوَلَدَهُ وَأَحَبُّ شَيْءٍ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يَبْرِيَ الرَّجُلَ مَعَ امْرَأَتِهِ وَوَلَدِهِ عَلَى مَائِدَةٍ يَأْكُلُونَ فَإِذَا اجْتَمَعُوا عَلَيْهَا نَظَرَ إِلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ لَهُمْ فَيَغْفِرُ لَهُمْ قَبْلَ أَنْ يَتَفَرَّقُوا مِنْ مَوْضِعِهِمْ.

احادیث فراوانی به نقش جنسیتی هر یک از والدین اشاره شده است؛ از جمله توصیه مردان به منظور غیرت‌ورزی^۱ (ابن شعبه، ۱۳۸۳، ۳۲۲)، سرپرستی و دفاع از خانواده^۲ (بخاری، ۱۳۷۸، ۱۲۵/۲)، حمایت اقتصادی از عائله و توسعه بر آنان^۳ (مجلسی، ۱۳۸۶، ۱۳۲/۱۰۴)، تربیت صحیح فرزندان^۴ (نوری طبرسی، ۱۳۶۹، ۲۰۱/۱۲) و...

همچنین زنان را به ایفای هر چه بهتر نقش مادری و همسری در قالب رعایت عفاف^۵ (آمدی، ۱۳۷۳، ۲۹۳/۴)، تواضع و آراستگی در مقابل همسر (مجلسی، ۱۳۸۶، ۲۳۵/۱۰۳)^۶، انجام کارهای خانه (حرعاملی، ۱۲۷۸، ۱۷۵/۱۵)^۷ و نگهداری صحیح از فرزندان (طبرسی، ۱۳۶۹، ۱۶۲/۱۴)^۸ و... فراخوانده است چرا که زن را یکی از ارکان پیشرفت خانواده می‌داند^۹ (شیخ صدوق، ۱۳۸۳، ۲۵۱/۲). در این خصوص می‌دانیم که زنان خاندان اهل بیت علیهم‌السلام خود پیشتاز این عرصه بودند. حضرت زهرا علیها‌السلام در ایفای نقش مادری و همسری الگو بوده‌اند. ایشان مادر چهار فرزند بودند که فاصله سنی زیادی



۱. إِنَّ الْمَرْءَ يَحْتَاجُ فِي مَنْزِلِهِ وَعِيَالِهِ إِلَى ثَلَاثٍ خِلَالَ يَتَكَفَّلُهَا وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِي طَبَعِهِ ذَلِكَ: مُعَاشِرَةً جَمِيلَةً وَسَعَةً بِتَقْدِيرٍ وَغَيْرَةً بِتَحَصُّنٍ.
۲. الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ....
۳. اَعْلَى: لَا يَخْدُمُ الْعِبَالُ إِلَّا صَدِيقٌ أَوْ شَهِيدٌ أَوْ رَجُلٌ يُرِيدُ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.
۴. لَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ يُورِثُ أَهْلَ بَيْتِهِ الْعِلْمَ وَالْأَدَبَ الصَّالِحَ حَتَّى يَدْخُلَهُمُ الْجَنَّةَ جَمِيعًا.
۵. طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ أُمُّهُ عَفِيفَةً.
۶. عَلَيْكَ بِالْعِفَافِ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْأَشْرَافِ.
۷. نَنْ مِنْ خَيْرِ نِسَائِكُمْ... الْمُتَبَرِّجَةُ مِنْ زَوْجِهَا الْحِصَانُ عَنْ غَيْرِهِ.
۸. أَيُّمَا امْرَأَةٍ دَفَعْتَ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ تُرِيدُ بِهِ صَلَاحًا نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا لَمْ يَعُدَّ بِهَا.
۹. خَيْرُ نِسَائِكُمْ الْوَدُودُ الْوَالِدُودُ الْوَالِدَاتُ.
۱۰. الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ أَحَدُ الْكَاسِبِينَ.



با یکدیگر نداشتند. کوشش و اهتمام ایشان برای تربیت فرزندانشان حتی قبل از تولد آنها تا آخرین لحظات حیات خودشان قابل توجه است. شیر دادن، در آغوش گرفتن، بازی کردن، غذا دادن، شعر خواندن، آموزش دادن و... برنامه روزانه حضرت زهرا علیها السلام با فرزندانشان بود (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۸/۴۳). دخترانش زینب و ام کلثوم علیهما السلام از همان کودکی مادر را متمایز از پدر و در هاله‌ای از عفت و حجاب می‌دیدند (تقوی، ۱۳۸۴، ۴۸). شاید بر اساس همین نقش‌های جنسیتی است که وقتی علی علیه السلام و زهرا علیها السلام در اول ازدوجشان از پیامبر خواستند تا کارها را بین آنها تقسیم کنند، پیامبر کارهای خارج منزل را به علی علیه السلام و کارهای داخل منزل را به حضرت زهرا علیها السلام سپردند (مجلسی، ۱۴۰۴، ۳۱/۴۳ و ۸۱). در عین حال این تقسیم کار جنسیتی مانع از همکاری علی علیه السلام در بعضی از امور خانه و کمک به حضرت زهرا علیها السلام در تدبیر منزل نبود. زیرا ایشان در نظافت خانه و حتی پاک کردن عدس و آرد کردن، هیزم و آب آوردن و جارو کردن و... به آن حضرت کمک می‌کردند^۱ (کلینی، ۱۳۹۳، ۸۶/۵). اما در عین حال حضرت زهرا علیها السلام برای فرزندانشان مادری می‌کردند و حضرت علی علیه السلام پدری.

با توجه به آموزه‌های معصومین علیهم السلام کار کردن در خانه، مطلقاً وظیفه زن نیست؛ این یعنی از یک طرف مردان نباید به شیوه‌ای عمل کنند که کار بیرون از منزل و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی‌شان به وظیفه‌ای که در امور خانه دارند لطمه وارد کند. به عبارت بهتر حضور مرد در مشاغل نباید او را از وظیفه‌ای که در خانه بر عهده اوست باز دارد (سخنان رهبری، ۱۴۰۲/۱۰/۶). از طرف دیگر مسئولیت امور داخلی خانه (همسری، تربیت فرزند) به این معنا نیست که مسئولیت اجتماعی از دوش خانم‌ها برداشته شده است. زنان بایستی این مسئولیت را حفظ کنند و هر مقداری که با وجود

۱. کان امیرالمؤمنین علیه السلام یحتطب و یستقی و یکنس و کانت فاطمة تطحن و تعجن و تخبز.

این مسئولیت توانایی دارند، آن توانایی را به مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی ضرب کنند (سخنان رهبری، ۱۳۶۳/۱۲/۰۴) خیال نکنند اسلام می‌گوید هیچ کاری نکنند، تدریس نکنند، مجاهدت نکنند، کار اجتماعی نکنند، فعالیت‌های سیاسی نکنند. معنای خانه‌داری و فرزندپروری این نیست (سخنان رهبری، ۱۴۰۱/۱۰/۱۴). نمونه بارز این موضوع، حضرت فاطمه علیها السلام است که با وجود فرزندان و مسئولیت خانه همراه صفیه، دخت آزاده بنی‌هاشم و عمه پیامبر و خواهر حمزه سیدالشهدا برای کمک و یاری به رزمندگان و مجاهدان جنگ احد حاضر می‌شود (واقعی، ۱۳۶۱، ۲۴۹/۱) یا در جنگ احزاب که مدینه در محاصره بود قسمتی از نیازمندی‌های مجاهدان از قبیل پخت نان را بر عهده می‌گیرد (ابن سعد، ۱۳۷۴، ۴۰۰/۱). همچنین در ماجرای فتح مکه در سال هشتم هجرت، فاطمه علیها السلام همراه تعدادی از زنان با سپاه به مکه آمد (با توجه به این که چهار فرزند خردسال داشت و فاصله مکه و مدینه حدود هشتاد فرسخ بود). ایشان در این سفر طولانی و سرنوشت‌ساز، خدمتکار و پشتوانه توانمندی برای پدر و شوهرش و سایر رزمندگان بود (واقعی، ۱۳۶۶، ۱۰۷۹/۳).

یکی دیگر از وجهه‌های اجتماعی و اقتصادی زهرای مرضیه علیها السلام با وجود نقش مادری و همسری، اداره و مدیریت باغ بسیار بزرگ و پر محصول فدک بود. روشن است که پیگیری حساب و کتاب و درآمد و مخارج این باغ کار راحت و آسانی نبود اما ایشان به تنهایی این کار را انجام می‌دادند. طوری که وقتی به دست معاویه افتاد، اداره آن بین پسرش و دو نفر دیگر تقسیم کرد (قمی، ۱۴۰۴، ۱۵۵/۲).

بنابراین با توجه به سیره معصومین علیهم السلام یادگیری نقش‌های جنسیتی تقریباً به صورت ناآگاهانه و غیر مستقیم و در جریان ارتباط فرزند با والدین رخ می‌دهد (قائمی، ۱۳۸۶، ۴۴)؛ یعنی کودکان می‌بینند که هریک از والدین چه رفتاری دارند، چه





می‌گویند، چه می‌پوشند و چه حالاتی از خود بروز می‌دهند و در واکنش به دختران و پسران چه می‌کنند. به همین دلیل عمده‌ترین مسأله در آموزش نقش‌های جنسیتی این است که والدین از راه گفتار و کردار آن را به صورتی عملی نمایان سازند و توجه داشته باشند که کودک بیش از نصیحت‌های کلامی به جنبه عملی رفتار پدر و مادر توجه دارد و نقش‌پذیری و تقلید را به خصوص در این باره به صورتی قوی ایفا می‌کند. این که به فرزندان بگوییم تو کاری به کار من نداشته باش و خودت عامل به فلان رفتار باش، سخن درستی نیست. این باعث دچار دوگانگی شخصیتی فرزندان خواهد شد (قائمی، ۱۳۹۱، ۱۳). امام علی علیه السلام به فرزندشان امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «قلب کودک مانند زمین بی‌گیاه است؛ هر چه به او عرضه شود می‌پذیرد و به همین جهت من پیش از آن که قلب تو سخت و دلت مشغول شود به تربیت تو اقدام نمودم» (دشتی، ۱۳۷۸، ۳۱).^۱

بنابراین هر یک از والدین با تفکیک نقش‌های جنسیتی می‌توانند نقش‌های مادرانه یا پدرانه را به فرزندان خود منتقل کنند (تقی‌پور و ملک‌آبادی، ۱۳۹۲، ۱۳۶، ۳۴۸). در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده: «امور دختران را به مادران آن‌ها واگذار کنید»^۲ (متقی، ۱۴۰۹ق، ۳۰۹/۱۶). این حدیث به الگوهای جنسیتی یعنی سپردن امور دختر به به مادر توجه ویژه کرده است. همچنین روایات مختلف برای پیشگیری از انحرافات جنسی دختر، از مادر می‌خواهد عملکرد ضابطه‌مندی داشته باشد؛ به عنوان مثال اهمیت نقش مادر چنان است که توصیه معصومین علیهم السلام برای دخترانی که مادران خود

۱. إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ، فَبَادِرْتِكِ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُكَ وَ يَسْتَعْلِفَ لُبُّكَ.

۲. آمُرُوا النِّسَاءَ فِي بَنَاتِهِنَّ.

را از دست داده‌اند پرورش نزد نزدیک‌ترین فرد از نظر الگویی است. نقل شده بعد از شهادت حمزه سیدالشهداء علیه السلام سرپرستی امامه، دختر حمزه را که مادرش در گذشته بود به عهده جعفر طیار گذاشتند. این بدان سبب بود که اسماء بنت عمیس خاله امامه همسر جعفر بود و می‌توانست جای مادر را برای او پر کند (محمدی اشتهاوردی، ۱۳۷۵، ۲۶۲/۴) ایشان در این زمینه فرمودند: «خاله مانند مادر برای فرزند است» (طوسی، ۱۴۰۷، ۱۱۷۰/۹).^۱

از طرفی فرزندان نیاز به پدری دارند که الگوی قدرت و مردانگی بوده و اقتدار داشته باشد و امر زندگی و درس و برنامه و سرپرستی او را به عهده بگیرد. امام رضا علیه السلام در این مورد به پدران سفارش می‌کنند و می‌فرمایند: «هرگاه به کودکان وعده‌ای می‌دهید، آن را برایشان عملی کنید؛ زیرا آنان می‌پندارند شما همان کسانی هستید که روزی‌شان می‌دهید»^۲ (کلینی، ۱۴۱۱، ۵۰/۶).

آیت‌الله مکارم می‌نویسد: «سرپرستی و مدیریت در خانواده به خاطر خصوصیتی است که در مرد است مانند قدرت تفکر او بر قدرت احساس و عاطفه و دیگری به خاطر داشتن نیروی جسمی بیشتر که با اولی بتواند بیندیشد و نقشه طرح کند و با دومی بتواند از حریم خانواده (زن و فرزندان) خود دفاع نماید» (شیرازی، ۱۳۶۵، ۳۴۸/۲۴).

پس فرزندان اقتدار و مدیریت در زندگی را از پدران یاد می‌گیرند؛ البته در صورتی که این اقتدار مبتنی بر دوستی و رحم و انس باشد. در این زمینه امام صادق علیه السلام

۱. الخالّة بمنزلة الأم.

۲. أَحِبُّوا الصِّبْيَانَ وَارْحَمُوهُمْ وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئًا فَفُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا يَدْرُونَ إِلَّا أَنْتُمْ تَرْتَقُونَهُمْ.



می فرماید: «خداوند مرد را به خاطر محبت و دوستی فرزندش مورد رحمت خویش قرار می دهد»^۱ (کلینی، ۱۴۱۱ق، ۵۰/۶).

اقتدار و ثابت قدمی پدر موجب استواری شخصیت کودک می شود و وضع رفتاری او را سامان می دهد (قائمی، ۱۳۸۴، ۲۶۷-۲۶۴). در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده که فرمودند: «نیکبختی و سعادت مرد در این است که سرپرست خانواده اش باشد»^۲ (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ۲۵۱/۱۲).

با توجه به آن چه گفته شد روشن می شود که نقش سرپرستی و مدیریتی پدر، متناسب با ویژگی جسمانی، عاطفی و روانشناختی وی و هماهنگ با توانمندی اش می باشد. در واقع هیچ کس نمی تواند این نقش را به طور شایسته برای فرزند ایفا کند (آذربایجانی، ۱۳۹۲، ۱۵).

از طرفی مادر با احساسات همه جانبه ولی ملایم خود که باید اغلب در خانه جاری باشد، در دل کودک رافت و احساس ایجاد می کند و همین عاطفه است که زمینه را برای پیوندهای انسانی در جامعه فراهم می سازد. انجام وظایف جسمانی به نوبه از عهده هر کسی بر می آید اما آنچه مهم است احساسات و عواطف و مهربانی و معنویت است که منحصرأ از عهده مادران برمی آید (قائمی، ۱۳۷۱، ۳۶) و هیچ جایگزین و پرورشگاهی نمی تواند کارکردهای روانی و عاطفی آغوش مادر را جبران کند (قائمی، ۱۳۷۱، ۱۳۹). کارکردی که در سیره حضرت زهرا علیها السلام با فرزندانش کاملاً قابل حس است.



۱. اِنَّ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ يَرْحَمُ الرَّجُلَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَدِهِ.

۲. مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ اَنْ يَكُوْنَ الْقَيِّمَ عَلٰى عِيَالِهِ.

شهید مطهری برای حب و عشق حاصل از مادری، حکمت و فلسفه‌ای قائل شده و می‌گوید: «مهر مادری از مقوله عشق است که علوم تجربی و عقل بشری به آن نمی‌رسد. لذا آن‌ها این محبت و احساس را در مقوله غریزه مورد مطالعه قرار می‌دهند. این مهر و محبت مادری چاشنی پرورش روح و ایجاد عاطفه انسانی و اجتماعی در فرزند است» (مطهری، ۱۳۹۵، ۵۷۲/۱۵).

نتیجه‌گیری

دنیای امروزی با فاصله گرفتن از خانواده سنتی و دینی در حال حرکت به سوی خانواده اندروژنی است که در نتیجه آن والدین نقش‌های غیر طبیعی را بر عهده گرفته و پدر به جای مدیریت و سرپرستی، بیشتر درگیر بچه‌داری و فعالیت خانگی بوده و مادر بیشتر به کار بیرون مشغول است. پیامد این جابجایی نقش‌ها ایجاد مشکلات فروان از جمله سردرگمی فرزندان در پذیرش نقش‌های جنسیتی در آن‌هاست. این در حالی است که با این کار نه تنها روابط زن و شوهر و فرزندان بهتر نمی‌شود بلکه تنش‌ها و درگیری‌های بیشتری در محیط خانه به وجود می‌آید. اگر پدران بیش از حد به نگرانی فرزندان پردازند و مادران به کار بیرون از خانه مشغول باشند بعد از مدت کوتاهی رابطه والدین با مشکل روبه‌رو می‌شود. به این ترتیب که پدر و مادرها روش‌های یکدیگر را برای مراقبت و تربیت فرزندان زیر سؤال می‌برند و بر سر مسائل ساده بگو مگو می‌کنند.

همچنین اگر قرار باشد مردان استقلالشان را از دست دهند و مطلقاً نقش‌های غیر طبیعی مراقبت از فرزندان و خانه‌داری را انجام دهند، از ازدواج و بچه‌داری اجتناب می‌کنند. از طرفی زن هم خیلی زود از شوهر خود خسته شده و علاقه‌اش را از دست



می‌دهد و می‌خواهد به تنهایی زندگی یک والد را تجربه کند که این مسأله مشکلات فراوانی را برای فرزندان به وجود می‌آورد.

بر اساس سیره معصومین علیهم‌السلام فرزندان نیاز به پدری دارند که الگوی اقتدار و قدرت و مردانگی باشد و امر زندگی و درس و برنامه و سرپرستی و اداره زندگی را بر عهده بگیرد. همچنین مادری که محبت و عواطف و احساسات او را تأمین کند. بر این اساس نه تنها بستر مناسب برای رشد سالم جنسی فرزندان فراهم می‌شود بلکه آن‌ها شناخت و انتظار درست از هویت جنسی خود پیدا می‌کنند که این می‌تواند در بزرگسالی، آن‌ها را از تمایلات نفسانی دور نگه دارد.

بنا به آنچه گفته شد والدین اندرژنی که یکی از دستاوردهای فمینیست لیبرال است، والدینی نیستند که مورد نیاز فرزندان باشند بلکه با توجه به روایات معصومین علیهم‌السلام سبک تفکیک نقش‌های جنسیتی که در آن مادران، سازنده روح و عاطفه و احساس، و پدران قاطع و مدیر و سرپرست باشند مورد نیاز فرزندان است. پس بهتر است به جای شبیه‌سازی نقش‌ها، هر یک از نقش‌های پدری و مادری در جای خود ایفا شود.

علاوه بر این با بررسی سیره معصومین علیهم‌السلام درمی‌یابیم که والدین مهمترین واحد اجتماعی هستند و بیشترین سهم را برای پذیرش نقش‌های جنسیتی نسبت به فرزندان دارند. نقش‌های جنسیتی، عامل مهمی در شکل‌گیری هویت فرد و ایفای نقش زنانگی و مردانگی در جامعه است. عده‌ای از جامعه‌شناسان فمینیسم رادیکال با انتقاد از کارکردهای خانواده به عنوان مهمترین عامل ایجاد کلیشه‌های جنسیتی در درون فرزندان و نقش والدین در جامعه‌پذیری جنسیتی آن‌ها والدین را علت نابرابری در جامعه می‌دانند.

برای جلوگیری از این پیامد می‌توان به نهادینه‌سازی نقش خانواده و اهمیت والدین در تمام برنامه‌های کلان و مراکز آموزشی به خصوص مدارس و دانشگاه‌ها پرداخته و با گنجاندن مواد آموزشی و تربیتی از سنین کم، پسران و دختران را با نقش‌های جنسیتی که در آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام سفارش شده، آشنا کرد تا بدانند آموزه‌های دینی معصومین علیهم‌السلام به دنبال تبعیض جنسیتی نیست و داشتن انتظار و نقش یکسان از مرد و زن که نتیجه گرایش به فمینیست است، باعث ظلم به آن‌ها می‌شود. بلکه تفکیک نقش‌ها برای حفظ نظام خانواده و تربیت فرزندان و آموزش نقش‌های صحیح لازم و ضروری است.

آگاهی مردان (در نقش همسری و پدری) بر مدیریت و سرپرستی و اجرا به شکل درستی که معصومین علیهم‌السلام خواسته‌اند، چتر حمایتی برای زن است تا در پرتوی آن به وظیفه اصلی خود که تربیت فرزند است، بپردازد و با احساس داشتن حامی قدرتمند خود را در هر شرایطی قرار ندهد.

با توجه به روایات معصومین علیهم‌السلام پدران در ارتقای سلامت فرزندان؛ چه دختر و چه پسر؛ اهمیت بسیاری دارند. در واقع پرداختن به آسیب‌های کاهش مشارکت یا حذف پدران اجتماعی، روانشناختی و بیولوژیکی از عرصه خانواده و نیاز فرزندان، یکی از مهمترین موضوعاتی است که باید به آن پرداخته شود.

در این میان رسانه مؤثرترین نهاد در تربیت اعضای جامعه به خصوص خانواده است که می‌تواند با پرداختن به موضوعات مربوط به نقش‌های جنسیتی والدین بر اساس سیره معصومین علیهم‌السلام به پدران، پدری و مادران، مادری بیاموزد تا فرزندان از کودکی شاهد شخصیت‌های تصنعی و ضعیف از مردان و پدران در مقابل زنان و نیز بازنمایی نادرست از زنان و مادران قدرتمند در برابر مردان و پدران ضعیف نباشد.



پرداختن به تأثیر فمینیسم (رادیکال) بر رسانه که یکی دیگر از علل جابه‌جایی نقش‌های جنسیتی والدین است می‌تواند از موضوعات قابل توجه باشد. به هر روی معرفی الگوی مناسب و مورد تأیید دین و معصومین علیهم‌السلام برای نقش‌های جنسیتی والدین از طریق رسانه موضوع دیگری است که می‌توان به آن پرداخت و با ارائه بهترین راهکارها از تأثیر فمینیسم مورد حمایت غرب و حرکت والدین به سمت اندورژنی جلوگیری کرد.



منابع

* قرآن کریم.

۱. * **نهج البلاغه**، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقات امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۸ ش.
۱. ابن سعد، محمد بن سعد، **طبقات**، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۱، تهران، فرهنگ و اندیشه، ۱۳۹۰ ش.
۲. ابن شعبه، حسن بن علی، **تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله**، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۳ ش.
۳. ابوت، پاملا، والاس، کلر، **نگرش‌های فمینیستی**، ترجمه حمید احمدی و مریم خراسانی، تهران، ناشر دنیای مادر، ۱۳۸۰ ش.
۴. اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی‌الفتح، **کشف الغمه فی معرفه الائمه**، ج ۲، قم، المكتبه الحیدریه، ۱۴۲۷ ق.
۵. آذربایجانی، مسعود، «مبانی نقش‌مدیریتی مرد در خانواده با رویکرد روانشناختی»، **مطالعات اسلام و روان‌شناسی**، س ۷، ش ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۲ ش، صص ۱۶۸-۱۴۹.
۶. آمدی، عبدالواحد بن محمد، **غور الحکم**، بی‌جا، ناشر مؤسسه فرهنگی الحدیث، ۱۳۹۵ ش.
۷. بستان، حسین، **اسلام و جامعه‌شناسی خانواده**، قم، ناشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹ ش.
۸. بیستونی، محمد، **تفسیر جوان**، منتخب تفسیر نمونه، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱ ش.
۹. پالماربوت، کلروالاس، **درآمدی بر نگرش‌های فمینیستی**، ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران، ناشر دنیای مادر، ج ۲، ۱۳۸۱ ش.
۱۰. تقوی، سیده سهله، «حضرت زهرا علیها السلام درباره فرزندان»، **گنجینه (حوزه)**، ش ۵۴، ۱۳۸۴ ش، صص ۴۸-۴۱.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، ج ۱۲، قم، مؤسسه آل‌بیت علیهم السلام، ۱۴۱۲ ق.



۱۲. خادمی، مصطفی، نصیبی، سیدعلی، **تنبيه الغافلین**، یاسوج، ناشر چویل، ۱۴۰۰ش.
۱۳. حکمت، محمد آصف، «بررسی و نقد نظریه تربیتی فمینیسم»، **اسلام و پژوهش‌های تربیتی**، س ۴، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱ش، صص ۶۶-۳۱.
۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی، **سخنرانی در دیدار با زنان و دختران**، ۱۴۰۲/۱۰/۶ش، ۱۴۰۱/۱۰/۱۴ش، ۱۴۰۱/۱۰/۱۴ش، ۱۳۶۳/۱۲/۴ش.
۱۵. دوبوار، سیمون، **جنس دوم**، ترجمه قاسم صفوی، ج ۱، تهران، انتشارات توس، ۱۳۹۶ش.
۱۶. رفیعی، مریم، «ضرورت تفکیک نقش‌های جنسیتی»، **حوراء**، ش ۲۷، ۱۳۸۹ش، صص ۴۸-۳۶.
۱۷. رودگر، نرجس، **فمینیسم، تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها، نقدها**، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۸ش.
۱۸. زیبایی نژاد، محمد رضا، سجانی، محمد تقی، **درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام**، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، چ ۱۵، ۱۳۹۰ش.
۱۹. زیبایی نژاد، محمدرضا، **هویت و نقش‌های جنسیتی**، تهران، مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری، پاییز ۱۳۸۸ش.
۲۰. زینی مالک آباد، هادی، نقی پور، ولی الله، «تقریر دین از نقش خانواده در سلامت روانی جامعه با تأکید بر تربیت جنسی فرزندان»، **میراث طاهّا**، پیش ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲ش، صص ۱۱۷-۱۴۲.
۲۱. سیاح، مونس، حسینی مجرد، اکرم، «بررسی بحران مادری در جهان غرب»، **مطالعات راهبردی زنان**، ش ۵۳، پاییز ۱۳۹۰ش، صص ۲۴۵-۲۱۱.
۲۲. شریفی خوانساری، محمد رضا، **حقوق فرزند بر والدین**، بی‌جا، بنی الزهراء، ۱۳۸۶ش.
۲۳. شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، **علل الشرایع و الاحکام**، ج ۲، قم، المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۳ش.

۲۴. صادقی فسایی، سهیلا، «چالش فمینیست با مادری»، **مطالعات راهبردی زنان**، ش ۲۸، ۱۳۸۴ش، صص ۱۹-۲۵.
۲۵. طباطبایی، محمد حسین، **تفسیر المیزان**، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۲، قم، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۳ش.
۲۶. طبرسی، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، ج ۱۲، بیروت، ناشر آل‌الیت ع، ۱۳۶۹ش.
۲۷. طوسی، محمدبن حسن، **تهذیب الاحکام**، ج ۹، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۸. عطارزاده، مجتبی، «بررسی تطبیقی مفهوم جنسیت در اسلام و غرب»، **مطالعات راهبردی زنان**، ش ۴۲، ۱۳۷۸ش، صص ۷۸-۴۳.
۲۹. قائمی، علی، **برای فرزندان چگونه الگو باشیم**، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۹۱ش.
۳۰. قائمی، علی، **خانواده و تربیت کودک**، تهران، انتشارات امیری، چ ۷، ۱۳۸۶ش.
۳۱. قائمی، علی، **کودک و خانواده نابسامان**، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیاء، چ ۷، ۱۳۸۶ش.
۳۲. قائمی، علی، **نقش پدری در تربیت**، تهران، انتشارات امیری، چ ۷، ۱۳۸۴ش.
۳۳. قائمی، علی، **نقش مادر در تربیت**، تهران، انتشارات امیری، چ ۸، ۱۳۷۱ش.
۳۴. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر القمی**، محقق و مصحح سید طیب موسوی جزائری، ج ۲، دارالکتاب، قم، چ ۳، ۱۴۰۴ق.
۳۵. کلاین، آلن آر، **عریان کردن فمینیسم**، ترجمه طاهره توکلی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹ش.
۳۶. کلینی، محمدبن یعقوب، **اصول کافی**، ترجمه سید جواد مصطفوی، ج ۲، بی‌جا، مؤسسه الوفا، ۱۳۸۲ش.
۳۷. گاردنر، ویلیام، **جنگ علیه خانواده**، ترجمه معصومه محمدی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۹۲ش.





۳۸. لگنهاوزن، محمد، «اسلام در رویارویی با فمینیسم»، ترجمه نرجس جوان‌دل، **بانوان شیعه**، ش ۲، ۱۳۸۳ش، صص ۵۸-۱۹.
۳۹. متقی، علی‌بن حسام‌الدین، **المرشد الی کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال**، بیروت، ناشر مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
۴۰. مجلسی، محمدباقرین محمدتقی، **بحار النوار**، ج ۴۳، بیروت، داراحیاء التراث، ۱۴۰۴ق.
۴۱. محدث نوری، حسین، **مستدرک الوسائل**، ج ۱۵، بیروت، ناشر مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۳۲۰ق.
۴۲. محمدی اشتهاودی، محمد، **داستان دوستان**، ج ۴، قم، ناشر مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۷۵ش.
۴۳. مردیها، مرتضی، «مبانی فلسفی فمینیسم رادیکال»، **دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، ش ۲، ۱۳۸۷ش، صص ۲۴۲-۲۲۵.
۴۴. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار شهید مطهری**، ج ۱۵، تهران، ناشر صدرا، چ ۹، ۱۳۹۵ش.
۴۵. مطهری، مرتضی، **یادداشت‌ها**، ج ۷، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ش.
۴۶. مکارم شیرازی، **تفسیر نمونه**، ج ۲۴، تهران، ناشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۴۷. ناصر، ابراهیم، زائری‌وند، علی، «جنبش غربی فمینیسم و تلاش‌های جهانی سازی»، **حوراء**، ش ۱۸، ۱۳۸۴ش، صص ۵۲-۳۹.
۴۸. نجاری، فاطمه، «تأثیر نظام آموزشی آندروژنی بر تعلیم تربیت زنان»، **اسلام و پژوهش‌های تربیتی**، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵ش، صص ۱۱۰-۸۹.
۴۹. واقفی، محمدبن عمر، **المغازی**، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۱، شیراز، مرکز نشر دانشگاه شیراز، ۱۳۶۱ش.
۵۰. یزدخواستی، بهجت، «مروری بر افکار سیمون دوبوار»، **مطالعات راهبردی زنان**، س ۸، ش ۲۹، پاییز ۱۳۸۴ش، صص ۵۹-۳۹.